

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: استاد بزرگوار پیشاپیش از اینکه مزاحم وقتتون میشم عذر میخوام. استاد عزیز خیلی حال روحی خرابی دارم. خیلی مضطر و درمانده ام. حدود ۵ ساله با یه آقا بد دهن و عصبی ازدواج کردم. از اول بد دهنی می‌کرد تا محبور شد دکتر بره. اما همچنان این کار را در بحثها ادامه می‌دهد. چند باری خانه پدرم برگشتم اما سراغم اومدن و با تعهد و تعهد محضری برگشتم. اما انگار نه انگار. چند وقت پیش تو بحثها بهم میگه تو روانی هستی. عقده شخصیتی داری. داد میزنه سرم. منا کوچیک می‌بینم. خودش را تافته جدا بافته می‌بینم. گاهی میگه فرهنگ ما بهم نمیخوره. چند روزه اومدم شهرستان خانه پدرم. اما اصلا دلم نیست برگردم. شما کمک کنید. عاجزانه التماس می‌کنم. راهی جلوی پایم بزارید دعایی، وردی ذکری. دلم نمی‌خواد زندگیم از هم بیاشه از طرفی حس می‌کنم بخاطر مهریه است که مرا نگه داشته. با یه مشاور صحبت کردم حال و روزش و داروهای را گفتم. گفت دوقطبی. حتی ازش بچه دار نشو. هرچند ما بچه دار هم نشدیم. استاد بزرگوار خواهش می‌کنم راهی دعایی سر راه من قرار بدین. حالش متغیر. گاهی خوب میشه و سریع تغییر حال میده. اما من دیگه به آسانی خوب نمیشم. میخوام لطمه ای هم به ایشان بخوره. خدا خیر دنیا و آخرت نصیبتان کنه ان شاءالله.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال زنان بزرگ در این موارد به خاطر حفظ زندگی به یک معنا با مدارا و با کج‌دار و مریز، زندگی‌شان را حفظ کرده‌اند. با توسل به سیره حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» و انس با حضرت رب العالمین از طریق عبادات و صداقت و ایثار. موفق باشید